



همه‌ی ما باسوادیم

● کبری بابایی ● تصویرگر: عاطفه ملکی‌جو

خدای خوبم سلام!

مدادهای من باسوادند. می‌توانند بنویسند. مدارنگی‌هایم باسوادند. آن‌ها بلدند نقاشی بکشند. پاک‌کن من باسواد است. غلط‌ها را پیدا می‌کند و پاکشان می‌کند. من و مامان بزرگ هم باسوادیم.

خدایا! من تازه سواددار شده‌ام، اما مامان بزرگ چند سال پیش خواندن و نوشتن را یاد گرفته است. او وقتی خیلی کوچک بود نتوانست به مدرسه برود. برای همین چند سال پیش، به کلاس‌های نهضت سوادآموزی رفت. آن‌جا مدرسه‌ی آدم‌بزرگ‌ها بود. حالا مامان بزرگ بلد است آرام آرام برای من قصه و شعرهای قشنگ بخواند.

کنار مامان بزرگ خیلی به من خوش می‌گذرد. من می‌خواهم همین حالا با کمک او نقاشی بکشم و قصه‌اش را بنویسم.

خدای خوبم! به خاطر این‌همه خوشحالی از تو ممنونم.

